

بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری کشورهای منطقه

مسعود اخوان کاظمی^۱، امید شکرانه ارزنقی^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری کشورهای منطقه می‌باشد. هرچند باید بیان نمود که میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و نیز قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجه تأثیر آن متفاوت بوده است. هر اندازه که ملت ایران در نیل به اهداف انقلابی خود با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته‌اند، به همان نسبت تأثیرپذیری از این انقلاب بیشتر بوده است. با توجه به مطالب مذکور، سوالی که در این مقاله می‌توان بیان نمود این است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری در بیداری کشورهای منطقه گذاشته است؟ که به روش توصیفی و تحلیلی این فرضیه را که انقلاب اسلامی ایران با داشتن ویژگی‌هایی از قبیل معنویت‌گرایی در سیاست، مخالفت با رژیم‌های دیکتاتور و غیراسلامی، بازتولید فرهنگ مقاومت و روحیه شهادت‌طلبی، عدالت‌گرایی، تأکید بر وحدت، مردم‌گرایی، گسترش اسلام سیاسی و مواردی از قبیل باعث تأثیرگذاری بر کشورهای منطقه گردید را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بطور کلی می‌توان بیان نمود که این انقلاب، کشورها و ملت‌های فراوانی را تحت تأثیر قرار داد و این تأثیرات که در قالب الگوسازی انقلاب اسلامی ظهور و بروز یافت، فرصت‌های جدیدی را پیش‌روی جنبش‌ها و جریان‌های مبارزه برای آزادی‌خواهی و استقلال قرار داد. انقلاب اسلامی تغییراتی در عرصه مفاهیم سیاسی و مباحث نظری ایجاد کرد و سبب شد ظرفیت‌های جدیدی در نظام بین‌الملل با الهام از آموزه‌های دینی ایجاد شود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، امام خمینی، خاورمیانه

^۱ هیأت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی

^۲ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه رازی

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و تحولاتی رخ دهد. در ساختار نظام بین‌الملل با توجه به حاکم بودن نظام دوقطبی در آن زمان، ایجاد جبهه‌ای جدید که متکی به غرب و شرق نبود، سبب خیزش دوباره جنبش عدم تعهد و ملت‌های مستقل شد، تا جائیکه آنها توانستند در عرصه روابط بین‌الملل نقش آفرین شوند. در این میان، کشورهای اسلامی نیز با اتکالی به هویت تمدنی خود، توانستند تأثیر قابل توجهی بر تحولات بین‌الملل بگذارند. به علاوه، انقلاب اسلامی توانست بازیگران نوینی را در نظام بین‌الملل به منصف ظهور برساند که از آنها جنبش‌های آزادیبخش و ملت‌ها هستند که بعنوان نقش آفرینان جدید، دیدگاه‌های آنها می‌تواند بر دولت‌ها و روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشد (دهشیری، ۱۳۸۲: ۶). انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ایران در کنار همه دستاوردهای سیاسی، اجتماعی، ساختاری و تأثیرات شگرف بین‌المللی، نقطه عطف جهان‌بینی اسلامی بود. این رویداد بزرگ در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی نقش عمده‌ای ایفا کرد و در نهایت انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید. انقلابی که بواسطه ماهیت فراملی و اسلامی‌اش اولین جنبش انقلابی بود که برمبنای ایدئولوژی اسلامی شکل گرفت. می‌توان عنوان کرد که انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلابات منحصر به فرد و یگانه انقلابی می‌باشد که نظریه‌های انقلاب غرب از تحلیل مناسب ماهیت و مبانی آن عاجز می‌شوند (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۷۷). انقلاب اسلامی ایران در ایجاد، تقویت افتخار و اعتماد به نفس مسلمانان اعم از شیعه و سنی، بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آن داشته است. این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های گوناگون و با بیان عقایدی مرتبط با یکدیگر تجلی یافته است و نیروی مردمی ناشی از بیداری اسلامی، مرزهای جغرافیایی را در هم نوردیده و از ایدئولوژی‌های سیاسی و نظام‌های ملی فراتر رفته و در عین حال، بعنوان یک چالش جدی در مقابل رژیم‌های محافظه‌کار حاکم بر این کشورها قرار گرفته است. این حرکت‌های اسلامی که کماکان نیز ادامه دارد و امروزه در جهان عرب شاهد آن هستیم، نه تنها باعث تقویت انقلاب اسلامی ایران شده بلکه جایگاه ایران را بعنوان کانون بیداری اسلامی پررنگ‌تر کرده است. بر این اساس صدور انقلاب طرحی است که جمهوری اسلامی ایران در پی ایجاد ارتباط با سایر ملت‌ها برای معرفی اصول و ارزش‌ها و تبیین اهداف و سیاست‌های خود است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کرد تا علاوه بر مسلط ساختن گفتمان انقلاب اسلامی در داخل، آن را به خارج از مرزهای جغرافیایی کشور تسری دهد. از منظر امام نیز مفهوم صدور انقلاب در واقع انتقال ارزش‌های معنوی و الهی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان از طریق استفاده از امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی می‌باشد که باید این هدف با استفاده از راهکارهای موجود مانند: دعوت و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان، معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، تقویت وحدت امت اسلامی، احیای

فرهنگ اهل بیت (ع) و ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی تحقق یابد (بیژن، ۱۳۹۵: ۹۶). سوال اساسی این است که باتوجه به گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و مبادلات بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش انقلاب اسلامی در تحولات بیداری اسلامی کشورهای منطقه خاورمیانه چگونه است؟ در پاسخ به این سوال، فرض مقاله حاضر این است که به رغم گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی رحلت امام خمینی، این انقلاب تأثیری مثبت و تأثیرگذاری بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه خاورمیانه داشته است.

در این پژوهش روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و از نوع پژوهش علی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت می‌گیرد. ابزارها و شیوه‌های که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، منابع کتابخانه‌ای و کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط با موضوع مورد تحقیق و اسناد و مدارک موجود می‌باشند.

۱- انقلاب اسلامی ایران سرآغاز بیداری اسلامی در منطقه

انقلاب اسلامی ایران نه تنها در تحولات ایران فصل نوینی پدید آورد، بلکه فراتر از مرزهای ایران در سطح منطقه استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه و کشورهای اسلامی تا دیگر نقاط جهان در غرب و شرق دگرگون - ۵۱
های فکری و سیاسی پدید آورد و روابط و معادلات جهانی را متحول نمود که به برخی از بازتاب‌ها و تأثیرات آن در سطح منطقه و جهان اشاره می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری نقطه عطف و سرآغاز عصر جدیدی بود و در سطح جهان و در ابعادی گوناگون پیام خود را طنین‌انداز ساخت چنانچه مقام رهبری در اینباره می‌فرماید: «با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه از عالم و با مبارزات طولانی که ملت ما پشت سر رهبر برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد عصر جدیدی با خصوصیتی متمایز با دوران قبل در عالم به وجود آمد و تأثیرات این عصر جدید روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرت‌ها محسوس است و حتی نقشه سیاسی دنیا عوض شده است. این عصر و این دوران جدید را باید دوران امام خمینی نامید.

انقلاب اسلامی توانست با ارائه الگوی عملی و نظری از جمهوری اسلامی و نیز ترغیب مسلمانان به همگرایی و وحدت اسلامی، هویت سیاسی و دینی جدیدی براساس ارزش‌های دینی به مسلمانان ببخشد و با زنده نگه داشتن حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب، زمینه مشارکت و حق تعیین سرنوشت مردم را فراهم کند. پدیده انقلاب اسلامی پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون

خارج کرد و مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استبداد و اختاپوس استعمار و امپریالیسم را ابطال نمود و بار دیگر «جسارت و اعتماد به نفس» را به ملت‌های مسلمان بازگرداند. امروز امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت در سراسر جهان بوده و ارزش‌های اسلامی در حال احیا می‌باشند. موج بیداری اسلامی باعث شکست سیاست‌های استعماری شده است و دشمنان سعی دارند تا با این موج عظیم که در سراسر دنیا فراگیر شده از هر راهی با بکار بستن حرب‌های گوناگون مقابله کنند.

۱-۱- تعریف بیداری اسلامی

بیداری، ضد خواب است و در معنای فعال شدن هوش (آگاهی) بکار می‌رود. بنابراین، بیداری اسلامی به مفهوم ظهور اسلام ناب و پاک در انسان و جامعه است. بر این اساس، حیات برین از دین به دست می‌آید و تنها از دین، قابل دریافت است؛ زیرا خداوند به انسان و جهان برین از دین به دست می‌آید و تنها از دین، قابل دریافت است؛ زیرا خداوند به انسان و جهان حیات بخشیده است و پیامبرش ما را به آنچه زنده می‌کند فرا می‌خواند. بنابراین، بیداری اسلامی به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است. به بیان دیگر، در معنای تجدید حیات اسلام بکار می‌رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی، بار دیگر زنده می‌شود یا حیات می‌یابد. احیای اسلامی نوعی اصلاح‌گری دینی است، البته نه آن اصلاح دینی که در غرب رخ داده است؛ زیرا در اصلاح دینی به معنای غربی، دین بگونه‌ای دستخوش تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد که دیگر جامعه، دینی نمی‌شود، بلکه دین با زمانه پیش می‌رود. در نتیجه، دین از عرصه حیات اجتماعی خارج می‌شود، ولی بیداری و احیای اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و شیوه دینی است. به همین دلیل، غبار از سیمای دین زدوده و صورت و سیرت دین آشکار می‌شود که در نتیجه این اقدام، دین به عرصه حیات آدمی باز می‌گردد. به بیان دیگر، بیداری اسلامی مهوریت‌زدایی از دین یا باز پیرایی و واخوانی گزاره‌ها و آموزه‌های اسلامی از اجمال و ابهاماتی است که بر سیمای دین نشسته است. از این‌رو، می‌توان گفت اگر خواب، برادر مرگ است، بیداری دست در آغوش زندگی دارد. بیداری اسلامی برخلاف تنوع‌گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوت، منادی پیام واحدی در تاریخ بدین مضمون است: ما دوباره برگشتیم تا دین را به عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان باز گردانیم. این احساس و خودآگاهی، ترکیبی از دو حالت شرمندگی و قصد بازگشت به ارزش‌های ناب و راستین گذشته است؛ شرمندگی در برابر عزتی که خداوند به مومنین وعده داده است و امروز مسلمانان از آنان بی‌بهره‌اند و بازگشت به اسلام به این معنا که عقب‌ماندگی ما ناشی از دور شدن از اسلام است. بنابراین، اگر بخواهیم دو عنصر شرمندگی و بازگشت را در یک عبارت خلاصه کنیم، باید گفت معنا و پیام بیداری اسلامی، این است که به اسلام ناب بازگردیم تا

عزت گذشته خویش را بازیابیم یا عزت بر باد رفته خود را به دست آوریم. همانگونه که از معنای بیداری اسلامی آشکار است مراد از کلمه بازگشت، سیر ارتجاعی و معکوس در تاریخ نیست؛ یعنی مراد از بازگشت، بازگشت به گذشته سیاه و سیر قهقرایی در تاریخ نخواهد بود، بلکه منظور، بازگشت به اسلام و توبه از به کنار نهادن اسلام و جبران عمل نکردن به دین نبوی است. به عبارتی، بیداری اسلامی یعنی از آنجا که ما در عقیده، اخلاق و عمل اجتماعی، از مفاهیم و ارزش‌های اسلامی بسیار فاصله گرفته‌ایم، باید هر آنچه در توان است، بکار گیریم تا کوتاهی‌های چند قرن اخیر را جبران سازیم. هدف از این بازگشت، ساختن یک تمدن جدید اسلامی با بکارگیری ارزش‌های خالص اسلامی و تجربه انسانی تمدن بشری است. از این‌رو، هدف نهضت بیداری اسلامی، تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع شود (همان).

۱-۲- نظریه صدور انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نظرات و دیدگاه‌های متفاوت و مختلفی از سوی جناح‌های مخالف و موافق در مورد صدور انقلاب مطرح شد که بطور کلی می‌توان همه آنها را در سه گروه تقسیم کرد که عبارتند از:

گروه اول: گروه نخست شامل ملی‌گرایان و ناسیونالیست‌ها می‌شود؛ آنها مخالف صدور انقلاب بودند و معتقدند انقلاب فقط در چهارچوب مرزهای ملی قابل پذیرش است و باید از ایجاد حساسیت جهانی دوری کرد.

گروه دوم: این گروه انقلابیون را در بر می‌گیرد؛ که دیدگاهی ایدئولوژیک و آرمان‌گرا بود و با شعار اسلام مرز نمی‌شناسد و دارای رسالت جهانی است، به دنبال گسترش افکار و ایده‌های انقلابی حتی به قیمت اعمال زور و خشونت بودند.

گروه سوم: این گروه را می‌توان یک دیدگاه میانه‌رو و واقع‌گرا دانست؛ این دیدگاه معتقد است که اول باید در داخل یک جامعه نمونه و الگو بسازیم تا دیگران از آن الگوبرداری کنند (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۶-۶۱).

علاوه بر این دیدگاه‌ها، نظریه دیگری به نام (نظریه ام‌القرای اسلامی) مطرح است که توسط جواد لاریجانی مطرح شده است که در آن بر نقش ایران بعنوان ام‌القرای جهان اسلامی تأکید شده است. در واقع کشوری ام‌القرای جهان اسلام می‌شود که دارای لیاقت رهبری کل امت باشد و ملاک اصلی ولایت است نه موقعیت استراتژیکی و امثال آن و این کشور باید سطح رهبری خود را از مرزهای جغرافیای‌اش فراتر برد (صادقی، ۱۳۸۹: ۸۱). براساس این دیدگاه ایران بعنوان رهبر کشورهای اسلامی شناخته می‌شود که برای نجات مظلومین، رهایی محرومین و گسترش اسلام تحت امر ولایت در خارج از مرزهای ملی فعالیت می‌کند و تأکید اولیه این دیدگاه بر جامعه داخلی است که لازم است بعنوان الگو و نمونه ساخته شود (بیژن، ۱۳۹۵: ۹۸-۹۷).

۲- زمینه‌های تاثیرگذار انقلاب اسلامی بر جنبش‌های سیاسی معاصر

بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های موثر اسلامی در جوامع مسلمان بوده است (قومانی، ۱۳۹۰: ۴۲). پس از انقلاب اسلامی، ایران به صورت ام‌القری اسلام درآمد. در واقع این انقلاب برآمده از دین، به احیای دین و تجدید حیات اسلام در ایران و جهان مدد رساند که یکی از ابعاد آن، تداوم‌بخشی به حیات جنبش‌های سیاسی اسلام در دو دهه اخیر است.

۲-۱- معنویت‌گرایی در سیاست

امام خمینی احیاگر اسلام ناب محمدی، تجسم وحدت دین و سیاست بود. ایشان با طرد نگاه حداقلی به دین، قلمرو آن را گسترده و جامع معرفی کرد. دینی یکپارچه با سیاستی الهی که سکولاریزم در آن جایگاهی ندارد؛ حوزه قدسی از حوزه عرفی جدایی‌ناپذیر است و معنویت‌گرایی، تهذیب نفس و سلوک عرفانی مغایر با حضور در متن سیاست و اجتماع نیست. انسان‌ها در طول تاریخ همواره به دنبال توجیه‌پذیر کردن زندگی خود با چنگ زدن به ریسمان معنویت بوده‌اند؛ حتی اگر معنویت غیردینی باشد. امروزه نیز به رغم دشمنی تمدن سکولار با این واقعیت، به نظر می‌رسد مردم در سرتاسر جهان رو به سوی معنویت‌گرایی آورده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد تعاریفی که امروزه از معنویت می‌شود، غالباً فردی، روانی و سطحی بوده است و متخصصین مربوطه قبل از شناخت واقعیت آن در مرحله ثبوت، به انواع آن در مرحله اثبات پرداخته‌اند. نگرش‌های سطحی که ریشه در سنت «نومینالیسم» دارد، نمی‌تواند حتی احساس آرامش و رضایت‌پایداری به دنبال داشته باشد چراکه بر مبنای واقعیت درونی انسان و محیط دربردارنده او پایه‌ریزی نشده است و فرد پی به پوچی آن خواهد برد. معنویت چنانکه خواهیم دید، صرفاً یک حس یا خیال خودساخته و کاذب نیست، بلکه واقعیتی هستی‌شناسانه دارد که جزء با تحقق درست هویت انسانی شکل نمی‌گیرد (برزگر و کریمی بیرانوند، ۱۳۹۴: ۳۵).

معنویت‌گرایی چشم بستن به روی دنیا نیست، بلکه راضی نشدن به حیات ضعیف دنیاست. اصل، معنویات است و سیاست همچون دیگر وجوه زندگی اجتماعی انسان در این راستا معنا می‌یابد. «طرفداران هر دو گروه باید بدانند که همه این امور (سیاسی) اعتباری و زودگذر است و همه در محضر حق هستیم و آنچه در صحیفه کردار ما ماندنی است اعمال و رفتار ما و آنچه موجب سعادت و جاودانگی ما می‌شود، صفای معنویت و ثمرات خلوص بندگی است» (خمینی، ۱۳۸۵: ۵۱).

هرچند شاید انقلاب‌های عربی بطور دقیق و کامل از جنس و گونه‌ای که در ایران رخ داد، نباشد، اما فاقد نشانه‌های اسلامی و معنوی نیست. یعنی در این انقلاب‌ها همانند انقلاب اسلامی ایران، رهبران دینی در خط

مقدم مبارزه قرار ندارند، بلکه روشنفکران و علما، پشت سر مردم و دنباله‌رو تحولات هستند و این از تمایزات انقلاب‌های عربی با انقلاب اسلامی می‌باشد. اما آرمان‌ها و نمادهایی وجود دارد که می‌توان گفت جریان‌های اسلامی در شکل‌گیری این جنبش مؤثر بوده‌اند و در تحولات بعدی آن نیز نقشی مهم خواهند داشت. برای نمونه، در تونس که حجاب ممنوع بود و به شدت با مسلمانان برخورد می‌شد، زنان محجبه حضوری پررنگ در اعتراضات داشتند و چون در این کشور مساجد تحت فشار بودند و به صورت امنیتی اداره می‌شدند، نخستین پدیده‌های که پس از پیروزی رخ می‌دهد، برپایی نماز جماعت در تظاهرات و در سطح خیابان‌هاست. یعنی اینکه نمی‌توان نقش اهداف و سمبل‌های مذهبی در این انقلاب را نادیده گرفت (نوربخش، ۱۳۹۰: ۹). آغاز تحرکات اعتراضی از مسجد و با انجام مناسک دینی نظیر نماز جمعه و نمازهای جماعت، آمیختگی جدانشدنی و تمایزناپذیر ادبیات مردم و جوانان با ادبیات دینی آنچنان برجستگی دارد که هیچ استشهدادی برای اثبات آن لازم نیست. جای تردید نیست که فرآیند تحولات درونی جنبش‌های کنونی در مجموع به سوی انطباق هویت اجتماعی - دینی با هویت سیاسی پیش می‌رود. این فرآیند از وجهی یا به شکل‌گیری جریان‌ها و نیروهای سیاسی - معنوی تازه منجر خواهد شد، یا اینکه به تحول جریان‌ها و نیروهای موجود در مسیر دستیابی به توان لازم برای انعکاس هویت دینی و اجتماعی در چارچوب هویت سیاسی معنویت‌گرا منتهی می‌شود (ناظمی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۳).

۲-۲- مخالفت با رژیم‌های دیکتاتور و غیراسلامی

یکی دیگر از شاخصه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران ضدیت و مبارزه با رژیم‌های دیکتاتور و مستبد و ضداسلامی می‌باشد، چراکه اساساً شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سرزمینی بود که یک حاکم مستبد و دیکتاتور بر آنجا حکومت می‌کرد. و لذا اشاعه این انقلاب قدرت نرم انقلاب اسلامی به انقلاب‌های عربی دلیلی دیگر بر تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این انقلاب‌ها می‌باشد. مردم تونس، مصر، لیبی و یمن حاکمانی را سرنگون کردند که ماهیت آنها کاملاً دیکتاتوری و ضداسلامی بود و همگی دست‌نشانده غرب و آمریکا بودند. این حاکمان به ظاهر اسلامی، پس از روی کار آمدن، مبارزه گسترده‌ای را در جهت مقابله با اسلام و فرهنگ اسلامی و گروه‌های اسلام‌گرا در کشور خویش آغاز نمودند تا آنجا که نمادهای اسلامی را محو کردند که نمونه‌های آن، جلوگیری از برگزاری نماز جمعه و جماعات و منع حجاب و برپایی مراکز فساد و فحشا و رباخواری و ظلم در سیستم اداری و ... بود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

بیشتر حکومت‌هایی که با مخالفت ملت‌های خود مواجه شده‌اند، حکومت‌هایی بوده‌اند که به شکل استبدادی به زندگی خود ادامه داده‌اند. این حکومت‌ها با حاکم ساختن جو اختناق‌آمیز و بسته تلاش نموده‌اند که یا از اصل مشارکت مردم خود جلوگیری نمایند و یا آنکه مشارکت آنها را به شکل نمادین و صوری بروز دهند. این

جو باعث شده است که مردم در سایه آگاهی‌های به دست آمده، مشارکت در حکومت و تصمیم‌گیری در سرنوشت سیاسی را حق خود بدانند و علیه این حکومت‌ها دست به شورش بزنند و خواهان برچیده شدن این جو استبدادی از کشورهايشان شوند. حال با توجه به مولفه‌های ذکر شده، می‌توان گفت که این قیام‌ها بدون استثناء بر ویژگی‌های مشترک تاکید دارند. اما آنچه خمیرمایه اصلی خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی را تشکیل داده می‌توان در بازیابی هویت فراموش شده و یا به عبارتی دیگر بازگشت به خویشتن خویش در این کشورها دانست. تردیدی نیست بخش فراموش شده هویت فرهنگی در این کشورها به ویژه در عرصه سیاسی نه ناسیونالیسم و اندیشه‌های ملی‌گرایانه و نه مدرنیته و اندیشه‌های غرب‌گرایانه بلکه ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی بوده است. همچنین تأثیر عمیق انقلاب اسلامی، باعث شکل‌گیری بیداری اسلامی در جهان اسلام شد و ارزش‌هایی همچون ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و ... را به ارزش‌های مسلط در جوامع اسلامی تبدیل کرد. بیداری اسلامی در منطقه بسیار فراتر از ناسیونالیسم عربی عمل کرد و با بسیج نیروها، رهیافت مقاومت اسلامی را پیش‌روی مسلمانان قرار داد. این رهیافت بن‌بست‌های القایی را کنار زد و عامل توقف توسعه‌طلبی و قدرت‌یابی رژیم صهیونیستی و قدرت‌های استکباری گردید. عمق تاثیرگذاری اندیشه‌های ناب اسلامی و دینی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران بنحوی است که تمام کشورهای دیکتاتوری خاورمیانه و منطقه از همان روزهای پیروزی انقلاب با تهدید بالقوه آثار و نتایج آن روبرو بودند. ۵۶

بر پایه نظریه سازه‌انگاری مبنی بر اینکه هنجارهای یکسان، هویت و اولویت‌های بازیگران را شکل می‌دهد و انتظار می‌رود بازیگران رفتارهای یکسانی از خود بروز دهند، رفتارهای یکسان و تاحدودی نزدیک فرانسه و انگلیس و آمریکا در برابر دیکتاتورهای عرب منطقه در این زمینه قابل بررسی است (اکبری کریم‌آبادی و صدرا، ۱۳۹۲: ۴۶).

۲-۳- بازتولید فرهنگ مقاومت و روحیه شهادت‌طلبی در خاورمیانه

نظریه پردازان نظریه هویت بر این باورند که اگر هویت‌گرایی تبدیل به کنش اجتماعی شود، زمینه‌های قدرت نرم را فراهم می‌کند. بر این اساس، در صورتی که هویت‌گرایی واحدهای سیاسی بتواند زمینه‌های مقاومت را ایجاد نماید، در آن شرایط می‌توان نشانه‌هایی از قدرت نرم را ملاحظه نمود. از این جهت، شکل‌گیری مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه را می‌توان انعکاس آثار و نتایج هنجاری انقلاب اسلامی ایران دانست. در واقع، شاخص‌های هویتی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران در فضای اجتماعی خاورمیانه دارای کارکرد و جاذبه سیاسی می‌باشند که این امر، تحرک مؤثر سیاست خارجی ایران در خاورمیانه را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در

این ارتباط، پیوند مؤلفه‌های هویتی، ژئوپلیتیکی و سیاسی در فضای انقلابی را باید اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری زیرساخت‌های مقاومت در سیاست خارجی ایران دانست. این امر ویژگی‌های انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌های سیاسی پس از جنگ دوم جهانی متمایز می‌سازد (متقی، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۸۰).

امام خمینی در وصیت‌نامه سیاسی خود به صراحت بر این نکته تأکید داشته‌اند که «نباید شک کرد که انقلاب اسلامی از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام». براساس تحلیل ژئوپلیتیکی، راهبرد امنیتی ایران در مقابله با سیاست سیطره‌جویی منطقه‌ای و بین‌المللی جهان غرب به ویژه ایالات متحده، بر جلوه‌هایی از موازنه‌گرایی قرار دارد. بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که راهبرد موازنه منطقه‌ای دارای جهت‌گیری و نشانه‌های مبتنی بر مقاومت‌گرایی خواهد بود. به این ترتیب، هژمون‌گرایی جهان غرب بعنوان زمین‌های برای رشد مقاومت‌گرایی اسلامی تلقی می‌شود. از این‌رو، ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی خود را بر موازنه‌گرایی به هدف مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ تنظیم نموده است (ابولفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۸).

۲-۴- عدالت‌گرایی

چنانکه اشاره کردیم، نقش‌آفرینی عنصر عدالت‌گرایی را در اغلب نشانه‌های سیاسی و هنجاری انقلاب اسلامی می‌توان مورد توجه قرار داد. ریشه‌های عدالت‌طلبی، مبارزه با ظلم و استعمار و استکبارستیزی را توأمان می‌توان در فرهنگ ایرانی و ایدئولوژی اسلامی ردیابی کرد. با وجود این، نقش و تأثیر اصل عدالت‌خواهی و استکبارستیزی در سیاست خارجی ایران را باید ناشی از ایدئولوژی و آموزه‌های اسلامی دانست.

عدل یکی از صفات الهی است و در مذهب شیعه بعنوان یکی از اصول مذهب تلقی می‌شود. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران با توجه ماهیت اسلامی انقلاب خود، درصدد برقراری عدالت در سطح بین‌المللی است. تحقق این عدالت تنها از طریق استقرار نظام جهانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی امکانپذیر است. به علاوه مطابق ایدئولوژی اسلامی، گستره عدالت‌گرایی و دادگستری به قلمرو ایران و حتی جهان اسلام محدود و محصور نمی‌گردد، بلکه سراسر جهان را در برمی‌گیرد. از این‌رو، رهبری، تلاش برای استقرار عدالت را از جمله معارف انقلاب اسلامی ایران دانسته‌اند و در اهمیت آن بیان می‌دارند:

«فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است ... دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومان، در سرلوحه برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است.

تعقیب سیاست‌های عدالت‌جویانه در محیط منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا که کشورهای حاضر در آن همواره تحت سیاست‌های سلطه‌جویانه و ناعادلانه قدرت‌های بزرگ قرار داشته‌اند، زمینه‌های لازم را برای گسترش جذابیت و تعمیق نفوذ منطقه‌ای ایران فراهم می‌نماید و در پرتو آن شاخص‌های قدرت نرم ایران همچون اعتماد و وفاداری بازتولید می‌شوند (ابولفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۴۶).

۲-۵- تأکید بر وحدت

تأکید انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذهب‌های اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه دیگر گرایش جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است، چون انقلاب اسلامی با الگوپذیری از اسلام ناب محمدی هیچ تفاوتی بین مسلمانان سیاه و سفید، اروپایی و غیراروپایی قائل نیست. وحدت امت اسلامی یکی از مهمترین مسائلی است که قرآن کریم و معصومین بدان توجه خاصی داشته‌اند. خداوند در قرآن کریم، هر جا سخن از وحدت و یکپارچگی است، آن را می‌ستاید و هر جا که از اختلاف و دودستگی سخن به میان آید، آن را نکوهش می‌کند. قرآن در موارد گوناگون به مسأله مهم وحدت می‌پردازد و از بشریت می‌خواهد که همگی به ریسمان الهی چنگ بزنند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند. «به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید» (آل عمران: ۱۰۳). وحدت اسلامی، از مهمترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که هر مسلمان آزاده، از صدر اسلام تاکنون، آن را فریاد زده است. پیامبر و دیگر پیشوایان الهی هیچگاه از مسأله وحدت غافل نبودند و آن را رمز موفقیت و سعادت جامعه اسلامی می‌دانستند. حضرت علی و دیگر معصومین در طول حیات مبارک خود به دلیل حفظ وحدت مسلمین، بارها در برابر پایمال شدن حقوق خود سکوت کردند، تا بذر تفرقه و تشتت در بین مسلمانان رشد نکند و اتحاد مسلمانان حول محور یکتاپرستی، کتاب آسمانی مشترک و کعبه، قبله مسلمانان حفظ شود. براساس این آموزه‌های سعادت‌بخش، گفتمان انقلاب اسلامی به مسأله وحدت در جهان اسلام اهمیت زیادی می‌دهد. بعد از پیروزی انقلاب ایران، امام خمینی، وحدت اسلامی را بعنوان شعاری راهبردی برگرفته از عمق باورهای اسلامی، مطرح ساخت. به علاوه، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، پیروان مذاهب اسلامی، از آزادی کاملی در پایبندی به اعتقادات خویش برخوردار شدند؛ تا آنجا که پیروان دیگر مذاهب حق دارند به دادگاه‌هایی که براساس دیدگاه آنان حکم می‌کنند مراجعه کنند.

۵۸

۲-۶- مردم‌گرایی

مردم‌گرایی انقلاب اسلامی، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. رهبری انقلاب ۱۳۵۷، بر این باور بود که باید به ملت‌ها بها داد نه به دولت‌ها. ویژگی بارز مردمی بودن انقلاب اسلامی در جنبش‌های سیاسی اسلامی راه یافته است و جنبش‌ها دریافته‌اند که اسلام توانایی بسیج توده‌های

مردم را دارد بر همین اساس آنها از اتکا به قشر روشنفکر، به سوی اتکا به مردم گرایش یافته‌اند و پایگاه مردمی خود را گسترش داده‌اند (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۶). بخشی از آیات قرآن کریم به توصیه درباره مردم‌گرایی، گره‌گشایی از کار آنها، رسیدگی مالی به آنان و توجه و اهتمام به کار آنها اختصاص یافته است. خداوند در قرآن کریم، پیامبرانش و به ویژه رسول را به مردم‌گرایی و توجه به مردم فراخوانده است. دو نمونه از این آیاتی که خداوند در آنها، رسول خدا را به مردم‌گرایی توصیه کرده، از این قرار است:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ پس به (برکت) رحمت الهی، بر آنان نرم‌خو (و پرمهر) شدی، و اگر تندخو و سنگدل بودی، به یقین از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برای شان آموزش بخواه و در کار(ها) با آنان مشورت کن» (آل عمران: ۱۵۹).

۲-۷- دفاع از آرمان مقدس فلسطین

انقلاب اسلامی ایران در زمانی به پیروزی رسید که پیمان ننگین کمپ دیوید با تلاش آمریکا بین رژیم اشغالگر قدس و سران خائن فلسطین به امضاء رسید و استعمارگران غربی تصور می‌کردند به زودی سایر کشورهای اسلامی را نیز تحت نفوذ خویش در می‌آورند و آنان را نیز در اختیار می‌گیرند. وقوع انقلاب اسلامی همه معادلات آنان را بر هم زد و با هدایت، روشنگری و موضع‌گیری قاطعانه امام، شیوه مبارزه با اسرائیل شکل دیگری به خود گرفت. به فرمان امام خمینی، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، «روز جهانی قدس» اعلام شد و سفارتخانه اسرائیل در تهران تعطیل و به سفارت فلسطین تبدیل گردید و بیت‌المقدس بعنوان مکان مقدس مسلمانان و سایر ادیان آسمانی مورد توجه جهان اسلام قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران به مبارزان و مردم فلسطین اعتماد به نفس بخشید و پشتیبانی و حمایت از انتفاضه و آرمان مقدس فلسطین را در سرلوحه برنامه‌های خویش قرار داد و جهانیان را به یاری و کمک‌های سیاسی، مادی و معنوی مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین دعوت کرد. همچنین رهبران مبارز فلسطینی را در رویارویی با اسرائیل اشغالگر دلگرمی و روحیه تازه‌ای بخشید. فتحی شقاقی، رهبر پیشین سازمان جهاد اسلامی فلسطین، در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر مبارزات مردم فلسطین می‌گوید: «این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از راه امام خمینی است؛ از همین رو، ناگهان در و دیوار مساجد سرزمین‌های اشغالی به ویژه مسجدالاقصی با تصاویر امام تزیین شد. امروز نیز شاهد آن هستیم که آیت‌اله خامنه‌ای همان مشیء امام را ادامه می‌دهند و مسأله فلسطین را در شمار مسائل اصلی مسلمانان قرار داده‌اند» (مرتضایی، ۱۳۷۸: ۳۱).

فلسطین جدا از اینکه سرزمینی مقدس و دومین قبله‌گاه مسلمانان است، مهمترین تجمیع کننده قدرت جهان اسلام نیز هست. راز این قدرت تجمیع در آن است که هیچ قطعه‌ای از جهان اسلام از آغاز بعثت پیامبر

تا امروز به اندازه فلسطین دغدغه مسلمانان نبوده است و این تنها سرزمینی است که تاکنون دو بار بین مسلمانان، مسیحیان و یهودیان دست به دست شده و در فاصله هر جابجایی، جنگ‌های ناتمامی بین طرفین به وقوع پیوسته است. فلسطین جزء معدود سرزمین‌هایی است که مسلمانان از هر مذهب، مسلک و مرامی نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای دارند و از این‌رو دولت و مردمی که در حمایت از فلسطین پیشروتر و فعال‌تر باشند، در نزد مسلمانان از اعتبار و موقعیت بیشتری برخوردارند.

۲-۸- گسترش اسلام سیاسی

اسلام سیاسی یا اسلام بعنوان یک ایدئولوژی سیاسی به هیچ وجه یک مکتب فکری واحد و یکپارچه نیست (Ayoob, 2004: 1)؛ اما بخش زیادی از متون و گفتمان دانشگاهی در جهان اسلام مبتنی بر این فرض است که در اسلام هیچ جدایی بین حوزه‌های سیاسی و مذهبی وجود ندارد، به ویژه در جمهوری اسلامی ایران که در آن پیوند بین زندگی سیاسی و اسلام در قانون اساسی تضمین شده و عامل اصلی مشروعیت حکومت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است (Ibid, 2). انقلاب اسلامی ایران معروف به آخرین انقلاب اجتماعی مدرن، هم‌پایه انقلاب‌های فرانسه و روسیه است. با این حال از سه جنبه با این انقلاب‌ها تفاوت دارد: (۱) اولین انقلابی است که در آن ایدئولوژی مسلط، اشکال سازمان‌ها و کادر رهبری، مذهبی بودند. (۲) اولین انقلاب معاصر است که منجر به ایجاد حکومت دین‌سالار (تئوکراسی) شد، در حالیکه همه انقلاب‌های مدرن دیگر در برابر دولت و کلیسا بودند. (۳) تنها انقلاب اجتماعی مدرن است که در آن چریک‌ها و دهقانان روستایی یک نقش حاشیه‌ای ایفا کردند (Boroujerdi, 2005: 16).

اسلام سیاسی به مفهوم مکمل بودن دین و سیاست، نوید الهام‌بخشی برای مسلمانان جهان است تا بتوانند با تمسک بر آن، استقلال و هویت واقعی خود را باز یابند و خود را در برابر تهدیدها و تحقیرهای دشمنان نجات دهند. بواسطه انقلاب اسلامی ایران، اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی توانست به گفتمان مسلط تبدیل شود و گفتمان نظامیگری و سکولار را از متن به حاشیه منتقل کند. از نظر برخی از نویسندگان، تفکر سیاسی امام خمینی؛ با طرح اسلام به دلیل قابلیت دسترسی و اعتبار بالا و به دلیل اینکه منسجم‌ترین منطق اسلام‌گرایی را عرضه کرد، موجب شد که اسلام‌گرایی به یک جنبش ضد نظم حاکم تبدیل شود و بنابراین، با زوال گفتمان کمالیسم، ظهور گفتمان طرد شده اسلام‌گرایی در دل مدرنیته امکانپذیر شد (برزگر، ۱۳۷۳: ۱۱). در تحلیل ریشه‌های شکل‌گیری اسلام سیاسی، می‌توان آن را نوعی تمرکززدایی از اسلام تلقی کرد که براساس آن، ذهنیت تدافعی که در نخستین گرایش‌های بیداری اسلامی شکل گرفته بود، از بین می‌رود. پدیده اسلام‌گرایی در کشورهای عربی منطقه در اصل تلاشی است برای رجعت به ریشه‌های فرهنگی بومی در میان مردمی که از بحران هویت گسترده رنج می‌برند (Azani, 2019: 129). اگرچه بسیاری از تحلیلگران، فساد طبقه

دولتمردان و دیکتاتوری حاکم بر کشور را عامل اصلی وقوع حرکت‌های مردمی در این کشورهای عربی می‌دانند، اما آنچه بیش از همه در این خصوص مطرح است، در رابطه با عملکرد این دولت‌ها در رویکرد ضددینی و ضدارزشیشان است. در واقع، جنبش بیداری اسلامی در جهان عرب، پایداری در برابر مخاطراتی است که موجودیت آنها را به خطر انداخته و با اتکاء به اصول و مبانی اسلامی در حال انجام شدن است. بنابراین، به نظر می‌رسد بهار غرب آسیا بیش از آنکه ناشی از مشکلات اقتصادی باشد، بازتاب نوعی «بحران هویتی» در جامعه عربی است (Baker, 2018: 27). سه موج سنگین، این آگاهی و تحرک را در جوامع اسلامی ایجاد کرده‌اند: موج اول بیداری اسلامی، در قرن نوزدهم بوسیله سیدجمال‌الدین اسدآبادی هدایت شد و تا حدودی باعث تغییر و تحولاتی در اندیشه و آگاهی مسلمانان شد. موج دوم بیداری، در قرن بیستم بوسیله امام خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی، به وجود آمد و در قالب جمهوری اسلامی ایران عینیت یافت و نهایتاً، موج سوم بیداری اسلامی، در حال حاضر در شمال آفریقا و منطقه غرب آسیا در حال نضج و گسترش است (Waterbury, 2017: 56).

نظریه بیداری اسلامی، در مقابل طرح‌های کشورهای غربی که به سلطه پیدا و پنهان بر کشورهای جهان اسلام به خصوص در منطقه استراتژیک غرب آسیا و شمال آفریقا تأکید می‌نماید، بر آگاهی جهان اسلام بر مسائل، مشکلات و چالش‌های کشورهای خود و نیز مقابله با طرح‌های غرب به خصوص آمریکا در منطقه ۶۱ دلالت و تأکید می‌نماید. بیداری سیاسی ملت‌های مسلمان منطقه با نشأت گرفتن از اسلام سیاسی توانسته است در برهه‌ای از زمان، دولت‌های عربی منطقه را علیه رژیم اشغالگر قدس برانگیزاند. هرگونه ایجاد موج بیداری اسلامی در منطقه، تعارض آشکاری با منافع و حیات وجودی رژیم صهیونیستی در منطقه دارد (Haynes, 2017:49).

۲-۹- دخالت قدرت‌های بزرگ در پوشش همکاری

از جمله عوامل خارجی مهم و تأثیرگذار در جامعه عرب که تا حد زیادی موجبات نارضایتی مردم را فراهم کرده است، دخالت‌های بی‌مورد قدرت‌های خارجی غربی در این کشورهاست که عمدتاً در پوشش همکاری انجام می‌شود. از آغاز پیدایش دولت‌های مستقل عربی پس از جنگ جهانی دوم، چالش‌های فراوانی پیش‌روی اقتدار سیاسی حاکم بر کشورهای منطقه وجود داشته است که می‌توان از آن با عنوان بحران اقتدار نام برد (دلفروز، ۱۳۸۰: ۱۲۵)، علاوه بر چالش‌های یاد شده در قسمت اول مقاله که مربوط به امور داخلی این کشورها شده و از مشروعیت آنان تا حدود زیادی کاسته بود، حاکمان کشورهای عربی، به ناچار، برای حفظ حکومت‌شان، در کنار تقویت قوای نظامی، به اتحاد با کشورهای خارجی روی آوردند که پیامدهای آن باعث خفقان و متعاقباً، کاهش بیشتر مشروعیت‌شان شد. برای مثال، مصر خواهان برقراری ارتباط و اتحاد با اروپا

بود. اتحادیه اروپا که طبق سند استراتژی امنیت اروپا، امنیت خود را در سایه ثبات همسایگان موافق خود می‌داند، همواره در صدد است طی طرحی موسوم به «طرح عمل سیاست همسایگان اروپا»، با بهبود وضعیت سیاسی - اجتماعی این کشورها، سوپاپ اطمینانی برای ثبات آنها تعبیه کند که موجب حفظ فضای امنیتی اروپا در منطقه شود. چون تلاش‌های اروپا در این موارد در جهت حمایت همه‌جانبه از دیکتاتورهای عرب برای حفظ ثبات و تأمین منافع خود بوده است، خواسته‌های مردم منطقه از سوی اروپا نادیده گرفته شده و این امر، به نارضایتی‌های گسترده در جامعه عرب انجامیده است (شمشادی، ۱۳۹۳: ۷).

از سوی دیگر، آمریکا بعنوان مهمترین بازیگر بین‌المللی، در صدد است در راستای پروژه اسلام‌هراسی، ارزش‌های غربی را جایگزین ارزش‌های اسلامی کند. ریچارد نیکسون در مورد سیاست خارجی آمریکا چنین می‌گوید: «سیاست خارجی آمریکا باید بگونه‌ای باشد که با رژیم‌های تجدیدنظرطلب همکاری استراتژیک داشته باشد و پیوند خود را با نظام‌های بنیادگرای افراطی و رادیکال، به همکاری تاکتیکی محدود نماید». این در حالیست که ارزش‌ها، ساختار و ویژگی‌های هر جامعه، بیش از هر چیز بازتابی است از سطح توسعه، فرهنگ و تاریخ آن. ارزش‌های مختلف و متفاوتی در سطح جهان وجود دارند؛ زیرا جوامع، از پیشینه تاریخی و سطوح فرهنگ و توسعه متفاوتی برخوردارند. بنابراین، تلاش‌های غرب و آمریکا برای جایگزینی ارزش‌های غربی در خاورمیانه عربی، به دلیل اینکه فرهنگ ملت عرب با ارزش‌های غربی سخت ناسازگار است، ثمری جزء نارضایتی بیشتر مردم ندارد (همان، ۷).

۲-۱۰- نمادگرایی سیاسی برگرفته از انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران دارای یک بعد نمادین بود که در بیشتر تحلیل‌ها مغفول ماند. ملت ایران با رجوع به آداب، سنن و فرهنگ خویش به ستیز با مظاهر فرهنگ بیگانه‌ای رفت که خود را با آن همراه نمی‌دید. این ستیز از هر جهت متکی بر نمادهایی بر ساخته بود. رژیم پهلوی تنها با سمبل‌سازی‌های ایران باستان و فرهنگ غرب‌گرایی بر مدرنیسم مطلقه تأکید می‌کرد و در مقابل ضد نمادی شکل گرفت که بر پایه سنت اسلامی، شیعی و فرهنگ دینی و حتی ملی، نمادهای اندیشه رقیب را به مبارزه فرا می‌خواند. در واقع سنت و تجدد در حال مبارزه با هم بودند و سنت‌گرایان با تکیه بر اندیشه دینی و تاریخی ایرانیان به جنگ اندیشه مدرنیسم مطلقه شتافتند، در این کارزار همه چیز رنگ و بوی نمادین گرفت. وجه نمادین نبرد بین اسلام و مدرنیسم در نوع چهره‌ها، لباس پوشیدن، زیستن و سخن گفتن انقلابی، حرکات بدنی تجلی می‌یافت که همه برآمده از فرهنگ انقلابی و ساده زیستی بود که روحانیون مبلغ آن بودند. با ملاحظه اینکه در انقلاب اسلامی برای سرنگونی رژیم گذشته از قوه قهریه استفاده نشد و سرنگونی آن به آرامی صورت گرفت، نظر ما متوجه یک عامل نامرئی می‌شود که در پیروزی انقلاب اسلامی بسیار موثر واقع شد و آن

نمادها و نشانه‌هایی است که روحانیون و روشنفکران مذهبی برای انسجام جامعه ایرانی بکار گرفتند و عرصه نبرد را به سمت عرصه‌های نمادین هدایت کردند. یعنی در یکسو نمادهای اسلامی برگرفته از فرهنگ بومی و در سوی دیگر نمادهای افراطی ملی‌گرای و فرهنگ غربی مقابل هم قرار گرفتند.

در انقلاب‌های عربی، عنصر خودآگاهی و هویت‌یابی اسلامی نقش بسیار پررنگ داشته است. بیش از یک قرن در خاورمیانه احساس تحقیر و عقب افتادگی مطرح بوده و مسلمانان به دنبال خروج از آن وضعیت بوده‌اند. در حقیقت از این شرایط، سنتزی جدید پدید آمده است که اعراب به دنبال تعریف هویت اسلامی مترقیانه برای خود می‌کشاند. نشانه‌های کنونی هویت‌جویی اسلامی در خاورمیانه که بیش از هر چیز بر توده‌های خواهان حکومت یا مردمی استوار شده، پدیده‌ای نو به شمار می‌رود. برای مثال، مردم بحرین با پرچم‌های «یا حسین» به خیابان‌ها آمده و با ندای یا علی و یا زهرا به خاک افتاده و به شهادت رسیده‌اند. آمیخته شدن راهپیمایی‌های مردم بحرین با سینه‌زنی و پوشانیدن تابوت‌های شهدا با پارچه‌های مزین به عبارت «علی ولی‌اله»، اقامه نمازهای جمعه و جماعت در معابر عمومی، انجام شعائر اسلامی در مراکز دولتی و ... نشانه‌های از این هویت‌طلبی اسلامی سرکوب شده هستند؛ بنابراین، این یک فرصت تاریخی برای شکل‌گیری هویت اسلامی به معنای واقعی است. این هویت نه از درون دولت‌ها بلکه با یک جریان مردمی و از متن شکل می‌گیرد (جمالی، ۱۳۹۰: ۸). در انقلاب‌های عربی همانند انقلاب اسلامی، به همان اندازه که نمادگرایی شدید وجود دارد، نمادزدایی از طاغوت و استبداد نیز شدید بود. رفع نشانه‌هایی مانند تصاویر حسنی مبارک، قذافی، آل‌خلیفه، علی‌عبداله صالح و ... با اشتیاق زائدالوصف توسط انقلابیون انجام می‌شود. «نمادهای مکانی» نیز به کانون همبستگی فزاینده مردم انقلابی عرب تبدیل شده است. میدان التحریر در قاهره یکی از مکان‌های مهم است و این میدان بی‌تردید نقطه عطف در تاریخ انقلاب مصر تبدیل شد. این مکان که نام فارسی آن میدان آزادی است در قیام مردم ایران نیز چنین نقشی ایفا کرد و سال‌ها تصاویر جمعیت گرد هم آمده در این میدان، پوستر دیوارها شده است. میدان التحریر، التعمیر صنعا و اللولو منامه، آنها را به مراکز نمادین قدرت انقلاب‌های عربی تبدیل کرد (همان).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران بعنوان اولین جنبش اسلامی دوران معاصر با رهبری امام خمینی موجب پیدایش نظامی سیاسی منطبق بر جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی شد. پایه‌های اساسی این انقلاب آگاهی و ایمان مردم به رهبری پیشگامان، متقیان و نخبگان بود. پیروزی چنین انقلابی به جهانیان پیام شکست غرب، بازگشت به اسلام و اتکا به مفاهیم آن را مخابره نمود. وجود رهبری قوی مانند امام خمینی بعنوان نظریه‌پرداز و رهبری با مقبولیت و تأثیر جهانی کم‌نظیری که داشتند از مولفه‌های اساسی این انقلاب بود. همچنین هدف جهانی انقلاب که آن را محدود به مرزهای زمینی نمی‌کرد موجب تأثیرگذاری چشمگیرش در جنبش‌های اصلاح‌طلبانه در کشورهای اسلامی شد. این انقلاب با رد اهداف مادی غرب و ارائه اهداف متعالی معنوی و انتقاد به الگوهای غربی هدف این جنبش‌ها را از تشکیل جامعه اسلامی به سمت درخواست حکومت اسلامی در سرتاسر جهان سوق داد.

یکی از مهمترین شعارهای انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، که نشانگر ماهیت جهانی نظام جمهوری اسلامی می‌باشد؛ بحث صدور انقلاب اسلامی می‌باشد. در حقیقت انقلاب اسلامی ایران برگرفته از یک اندیشه جامع می‌باشد که به قوم و یا محدوده جغرافیایی خاصی محدود نمی‌شود و از این‌رو است که ارزش‌های این انقلاب می‌تواند سایر جوامع و کشورها، مخصوصاً مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهد؛ از آنجا که هدف اساسی از طرح اصلی صدور انقلاب این بوده است که ملت‌های محروم، مستضعف و مخصوصاً جهان اسلام و کشورهای اسلامی، از آموزه‌های الهی انقلاب اسلامی بهره‌جسته و به سلطه دیکتاتورها، امپریالیسم و استکبار پایان دهند. لذا نظام اسلامی، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، اساس و پایه صدور انقلاب خود را به این اصل استوار ساخته بود که با الگوسازی و آموزش و تبلیغ بدون دخالت در امور داخلی سایر کشورها و جوامع، زمینه خودجوش خیزش و حرکت ملت‌های مسلمان را فراهم آورد، از این‌رو بسیاری از ملت‌های مسلمان با الگوگیری از این انقلاب متناسب با شرایط جوامع خود نسبت به بهره‌گیری از مولفه‌های بکار گرفته شده در آن پرداختند. رهبری قیام‌ها توسط علمای دینی و نقش تعیین‌کننده نهادهای مذهبی در جامعه از جمله مسائلی است که تا پیش از انقلاب ایران از جایگاه پررنگی در جوامع اسلامی برخوردار نبود؛ ولیکن پس از موفقیت رهبری امام خمینی در ایران بود که رهبری دینی بار دیگر جایگاه خود را در جوامع اسلامی پیدا کرد. این انقلاب، کشورها و ملت‌های فراوانی را تحت تأثیر قرارداد و این تأثیرات که در قالب الگوسازی انقلاب اسلامی ظهور و بروز یافت، فرصت‌های جدیدی را پیش‌روی جنبش‌ها و جریان‌های مبارزه برای آزادیخواهی و استقلال قرار داد. انقلاب اسلامی دگرگونی بزرگی در عرصه مفاهیم سیاسی و مباحث نظری ایجاد کرد و سبب شد ظرفیت‌های جدیدی در نظام بین‌الملل با الهام از آموزه‌های دینی ایجاد شود و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر ملل آزادیخواه جهان دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است که بخشی از آن را می‌توان در قالب گرایش‌های

ایدئولوژی و فکری به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در ایران تبیین کرد. از سوی دیگر تأثیر سرائیتی ناشی از انقلاب اسلامی ایران به افزایش انتظارات ملت‌های منطقه از حکومت‌هایشان منجر شد؛ بعد از انقلاب و برپایی نظام جمهوری اسلامی براساس خواست مردم بسیاری از ملت‌ها با مزایای شیوه زندگی بهتر آشنا شدند و انقلاب اسلامی برخلاف سایر حرکت‌های مسلمانان علاوه بر جنبه سلبی که به شکل سرنگونی حکومت طاغوت نمود پیدا کرد؛ در جنبه ایجابی با ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی توانست قدرت اسلام را در اداره جامعه به اثبات برساند. به نظر می‌رسد که جنبش‌های بیداری اسلامی کشورهای منطقه توانسته‌اند بواسطه ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران که خصلتی فراملی دارد و زبان مشترک ارتباط با کشورهای مسلمان است، و نیز حضور معنویت در سیاست که به وسیله انقلاب اسلامی وارد ادبیات سیاسی شد به مقتضای شرایط جدیدی که در آن به سر می‌برند، بازخوانی جدیدی داشته باشند و همان راه و ابزارهای مورد استفاده در انقلاب ایران را بومی کرده و مجدداً تکرار کنند. این همان قدرت نرم انقلاب ایران است که آرمان‌ها و اهداف آن بدون حضور فیزیکی در این انقلاب‌ها به وسیله انقلابیون این کشورها بکار گرفته می‌شوند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ابولفتحی، محمد و پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۳)، «تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه»، **مجله سیاست دفاعی**، س ۲۲، ش ۸۶.
- ۲- اکبری کریم‌آبادی، نورالدین و صدرا، علیرضا (۱۳۹۲)، «تحلیل تحولات سیاسی - اجتماعی شورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر نظریه سازه‌نگاری»، **دوفصلنامه بیداری اسلامی**، س ۲، ش ۴.
- ۳- برزرگر، ابراهیم و کریمی بیرانوند، مسعود (۱۳۹۴)، «نقش معنویت‌گرایی دینی بر سبک زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، **مجله رهیافت انقلاب اسلامی**، س ۹، ش ۳۲.
- ۴- برزرگر، ابراهیم (۱۳۷۳)، «پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر خاورمیانه»، **مجله دانش سیاسی**، س ۵.
- ۵- بیژن، عارف (۱۳۹۵)، «نقش اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، **فصلنامه سیاست**، س ۳، ش ۱۲.
- ۶- جمالی، جواد (۱۳۹۰)، «تأثیرسنجی قدرت نرم انقلاب اسلامی بر انقلاب‌های عربی»، **مجله عملیات روانی**، ش ۲۸.
- ۷- خمینی، روح‌اله (۱۳۸۵)، **صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی: (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)**، چ ۴، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۸- دلفروز، محمدتقی و کامروا، مهران (۱۳۸۰)، «تحلیلی ساختاری از دولت‌های غیردموکراتیک و آزادسازی سیاسی در خاورمیانه»، **مطالعات خاورمیانه**، ش ۲۰.
- ۹- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۲)، «امت‌سازی در پروژه انقلاب»، **ماهنامه زمانه**، ش ۱۷.

- ۱۰- سیمبر، رضا و دیگران (۱۳۹۳)، «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر خیزش‌های مردمی در جهان عرب»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، س ۳، ش ۱۱.
- ۱۱- شمشادی، آخوند (۱۳۹۳)، «بیداری اسلامی ملت‌های مسلمان و تغییر رژیم در کشورهای عربی»، *فصلنامه حبل‌المتین*، س ۳، ش ۶.
- ۱۲- صادقی، سعید (۱۳۸۹)، *تئوری‌های انقلاب*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۳- عباسی، مجید و سیفی، یوسف (۱۳۹۱)، «بازتاب‌های انگاره‌های انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، س ۱، ش ۳.
- ۱۴- قومانی، محمد (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و امام خمینی»، *همایش بین‌المللی بیداری اسلامی*.
- ۱۵- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضدنظام سلطه»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، س ۸، ش ۳۰.
- ۱۶- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۷- مرتضایی، علی اکبر (۱۳۷۸)، *امام خمینی در حدیث دیگران*، تهران: نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۸- ناظمی اردکانی، مهدی و دیگران (۱۳۹۳)، «نقش قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در جنبش بیداری اسلامی جهان اسلام»، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، س ۱۶، ش ۶۰.
- ۱۹- نوربخش، یونس (۱۳۹۰)، «هویت جدید دینی در خاورمیانه جدید»، سایت دیپلماسی ایرانی.

لاتین:

- 20- Ayoob, M. (2004). "Political Islam: Image and Reality", *World Policy Journal*, fall.
- 21- Azani, Eitan (2019). *Hezbollah: The Story of the Party of God, from Revolution to Institutionalization*, New York: Palgrave MacMillian
- 22- Baker, Raymond William (2018). *Islam without Fear: Egypt and the New Islamists*, Cambridge, Mass: Harvard University Press
- 23- Boroujerdi, Mehrezad (2005). *Comparative Government and Politics: Iran Briefing Paper*, Syracuse University, and Syracuse, New York.
- 24- Haynes, Jeffrey (2017). *Introduction to International Relations and Religion*, Pearson Education.
- 25- Waterbury, John (2017). "Recent Books: Middle East: The Second Arab Awakening: And the Battle for Pluralism", *Foreign Affairs*, Vol.9, No.3.